

[مسأله 20 1](#_Toc59536438)

[فرض سوم (عدول از حاضره به فائته) 1](#_Toc59536439)

[بررسی مشروعیت عدول در فرض خوف فوت وقت فضیلت أدائیه 2](#_Toc59536440)

[طائفه أول (تقدیم قضای فائته بر حاضره) 3](#_Toc59536441)

[طائفه ثانیه (تقدیم حاضره بر فائته) 8](#_Toc59536442)

[جمع أول (حمل طائفه ثانیه بر فرض خوف وقت فضیلت) 8](#_Toc59536443)

**موضوع**: مسأله 20 /نیت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در فروض عدول از یک نماز به نماز دیگر بود که در جلسه قبل بحث راجع به فرض سوم واقع شد.

# مسأله 20

## فرض سوم (عدول از حاضره به فائته)

بحث راجع به عدول از حاضره به فائته بود؛ یعنی در أثنای نماز حاضره ملتفت می شود که نماز قضا بر عهده او می باشد که مشهور قائل به استحباب عدول شده اند.

**ما بیان نمودیم**: اگر در أثنای نماز مغرب یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است دلیل بر عدول دارد ولی روایات نسبت به عدول از نماز أدایی به نماز قضایی غیر متصل اطلاق ندارد مثل این که در أثنای نماز مغرب یادش بیاید نماز صبح او یا نماز عشای دیشب او قضا شده است.

**اتّفاقاً متوجّه شدیم**: مرحوم بروجردی همین اشکال را مطرح فرموده اند که اطلاقی در أدله عدول از حاضره به فائته نداریم و تنها فائته متصله به این حاضره را شامل می شود. ایشان در ادامه فرموده اند نمی توان به فائته منفصله از این نماز حاضره الغای خصوصیت کرد. عامه هم که تابع ابوحنیفه بودند به همین مقدار قائل به عدول شده اند. لذا به نظر می رسد فتوای مشهور به جواز عدول از نماز حاضره به فائته در مازاد بر فائته متصله مشکل است. در نهایة التقریر جلد 3 صفحه 144 از مرحوم بروجردی نقل کرده اند که «لأنّ غاية مفادها ترتّب الظهر الحاضرة على الغداة الفائتة، و كذا العصر على الظهر، و المغرب على العصر، و العشاء على المغرب، و الغداة على العشائين معا، و لا دلالة لها على أزيد ممّا ذكر من اعتبار الترتيب بين الحاضرة و الفائتة السابقة المتّصلة بالحاضرة، أو الشريكة للمتّصلة في الوقت، لدلالتها على ترتّب الغداة الحاضرة على المغرب الفائتة أيضا، باعتبار شركتها مع العشاء الفائتة المتّصلة في الوقت و بالجملة: فما يستفاد من الرواية ليس إلّا اعتبار الترتيب في خصوص صلوات يوم و ليلة، مع اتّصال الحاضرة بالفائتة، أو اشتراك الفائتة غير المتّصلة مع المتّصلة بحسب الوقت مع فرض فوتها أيضا.و دعوى إنّه لا مجال لتوهم الاختصاص، مدفوعة بمنع ذلك بعد كون المعروف في ذلك الزمان بين المسلمين الذين كانوا يراجعون إلى مثل أبي حنيفة ذلك، كما عرفت آنفا عند نقل أقوال العامّة» یعنی اگر ادّعا شود که عدول از نماز حاضره به نماز فائته متصل به آن خصوصیت ندارد یا استحباب تقدیم نماز فائته بر نماز حاضره خصوصیت ندارد که مختص به فائته متصله باشد؛ این ادّعا صحیح نیست و احتمال خصوصیت داده می شود به این جهت که معروف در آن زمان بین مسلمینی که به مثل ابوحنیفه مراجعه می کردند این گونه بوده است.

توجّه شود که در جواز تقدیم فوائت بر حاضره شکی نیست و بحث در این است که آیا تقدیم قضای فائته به صورت مطلق مستحب است و اگر استحباب تقدیم قضای فائته بر حاضره مطلق باشد آیا عدول از نماز حاضره به فائته به صورت مطلق مشروع است یا مختص به عدول از حاضره به فائته متصل به این نماز حاضره است.

### بررسی مشروعیت عدول در فرض خوف فوت وقت فضیلت أدائیه

بحث در این رابطه بود که با قطع نظر از این اشکال، آیا استحباب عدول از نماز أدائیه به نماز قضائیه (مطلقاً یا در خصوص فائته متصله) مطلق است و شامل فرضی که خوف وقت فضیلت نماز حاضره وجود دارد می شود و عدول در این فرض هم مستحب است و مشروع است؟

**مرحوم امام و آقای سیستانی فرموده** اند: مستحب نیست و مشروع هم نیست و مختص به جایی است که خوف وقت فضیلت حاضره نباشد.

برای بررسی این مطلب، نیازمند بررسی بحثی هستیم که مقدمه این بحث است که اساساً تقدیم قضای فائته بر حاضره به صورت مطلق مستحب است یا استحباب آن مختص به فرضی است که خوف وقت فضیلت حاضره نباشد؟ اگر استحباب تقدیم قضای فائته را در جایی دانستیم که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نداشته باشیم نتیجه فرمایش مرحوم امام و آقای سیستانی خواهد بود که اگر نماز مغرب می خواند و لحظاتی بعد حمره مغربیه زائل خواهد شد اگر یادش بیاید نماز ظهر یا عصر را نخوانده است أمر به عدول ندارد و لذا دلیلی بر مشروعیت عدول ندارد.

لذا اشکالی که به مرحوم خویی داریم همین است که شما در بحث قضاء الصلاة این مطلب را پذیرفتید که جمع عرفی بین روایات اقتضا می کند استحباب تقدیم فائته بر أدای حاضره در جایی است که خوف فوت وقت فضیلت حاضره را نداشته باشیم وگرنه دیگر أمر به تقدیم قضای فائته نداریم؛ بر این اساس، چگونه می گویید أمر به عدول شامل این فرض هم می شود؟! چرا شما هم همچون مرحوم امام بر عروه حاشیه نزده اید که عدول از حاضره به فائته جایز بلکه مستحب است ولی جواز عدول مختص به فرضی است که خوف وقت فضیلت حاضره نباشد؟

روایات عدول، أمر به عدول می کند؛ حال اگر أمر به عدول از باب رفع توهّم حظر باشد استحباب عدول فهمیده نمی شود؛ شبیه فرمایش مرحوم بروجردی که این روایات که در یک طائفه أمر به تقدیم قضای فائته به حاضره کرده و طائفه دیگر أمر به تقدیم أدای حاضره بر فائته کرده اند، طائفه أول از باب رفع توهّم حظر است و شبهه این بوده است که وقت نماز واجب که می رسد دیگر نباید نمازهای گذشته قضا شود و باید ابتدا مشغول به نماز واجب حاضر شد که حضرت برای دفع این توهّم فرمودند ابتدا فائته را قضا کن و بعد حاضره را بخوان. اگر این گونه جمع عرفی کنیم مشکلی نداریم و أمر به عدول به داعی رفع توهّم حظر خواهد بود و عدول مطلقاً جایز خواهد بود چه خوف وقت فضیلت حاضره باشد و چه نباشد زیرا خوف فوت أصل واجب که نیست.

أما کسانی که این جمع مرحوم بروجردی را قبول نداشته و می گویند جمع عرفی این است که طائفه ای که أمر به تقدیم قضای فائته بر حاضره می کند بر جایی حمل شود که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نباشد. کسانی مثل مرحوم شیخ انصاری و مرحوم خویی که به این شکل جمع می کنند در جایی که خوف فوت وقت حاضره باشد دیگر أمر به تقدیم فائته بر حاضره وجود ندارد و أمر به عدول هم دیگر نخواهیم داشت زیرا أمر به عدول بر استحباب عدول حمل شد و دیگر دلیلی بر مشروعیت عدول از نماز حاضره به فائته نخواهیم داشت.

**لذا باید دو طائفه از روایات را بررسی کنیم که کدام یک از جمع مرحوم بروجردی یا مرحوم شیخ انصاری عرفی است؛**

### طائفه أول (تقدیم قضای فائته بر حاضره)

1-عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْعَصْرِ قَالَ يَبْدَأُ بِالظُّهْرِ وَ كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ أَنْ يَخْرُجَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَتَبْدَأُ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ تُصَلِّي الَّتِي نَسِيتَ.[[1]](#footnote-1)

علی بن محمد در سند، علی بن محمد بن بندار است. برخی سهل بن زیاد و محمد بن سنان را قبول ندارند ولی آقای زنجانی هر دو را ثقه می دانند.

گفته می شود تعبیر «و كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ» بیان می کند که ابتدا نمازهایی که فراموش کردی و قضا شده را می خوانید مگر این که خوف وقت نماز حاضره باشد که در این صورت ابتدا نماز حاضره را می خوانید.

لذا این روایت دلالت بر استحباب تقدیم قضای فائته بر حاضره دارد مگر در فرضی که خوف فوت وقت نماز حاضره باشد. البته اگر تنها همین روایت بود می گفتیم تقدیم فائته بر حاضره واجب است و لکن صحیحه محمد بن مسلم و صحیحه حلبی دلیل بر جواز تأخیر قضای فائته بر أدای حاضره است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ صَلَاةُ النَّهَارِ مَتَى يَقْضِيهَا قَالَ مَتَى مَا شَاءَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ.[[2]](#footnote-2) محَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ تَفُوتُهُ صَلَاةُ النَّهَارِ قَالَ يُصَلِّيهَا إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ إِنْ شَاءَ بَعْدَ الْعِشَاءِ[[3]](#footnote-3)»

مرحوم بروجردی فرموده اند «و كَذَلِكَ الصَّلَوَاتُ تَبْدَأُ بِالَّتِي نَسِيتَ» اطلاق ندارد؛ یعنی کذلک آن صلواتی که از قبیل نماز ظهر و عصر هستند که وقت نماز ظهر و وقت نماز عصر متصل به هم اند؛ شبیه نماز مغرب و عشاء، نماز عصر و مغرب، صبح و ظهر که وقتشان به هم متصل است.

مهم مجموع روایات است و ما نقل قول می کنیم تا کلام بزرگان هم ذکر شود و مهم مجموع طائفه اولی در مقابل مجموع طائفه ثانیه است.

2- مَا رَوَاهُ الطَّاطَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَحْيَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ صَلَّى عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ ثُمَّ تَبَيَّنَتْ لَهُ الْقِبْلَةُ وَ قَدْ دَخَلَ فِي وَقْتِ صَلَاةٍ أُخْرَى قَالَ يُعِيدُهَا قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ هَذِهِ الَّتِي قَدْ دَخَلَ وَقْتُهَا.[[4]](#footnote-4)

در فهرست راجع به طاطری می گوید: «علي بن الحسن الطاطري‌الكوفي، كان واقفيا، شديد العناد في مذهبه، صعب العصبية على من خالفه من الإمامية، و له كتب كثيرة في نصرة مذهبه، و له كتب في الفقه، رواها عن الرجال الموثوق بهم و برواياتهم فلأجل ذلك ذكرناها منها كتاب الحيض، و كتاب المواقيت، و كتاب القبلة، و كتاب فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، و كتاب الصداق، و كتاب النكاح، و كتاب الولاية، و كتاب المعرفة، و كتاب الفطرة، و كتاب حجج الطلاق، و قيل إنها أكثر من ثلاثين كتابا، أخبرنا بها كلها أحمد بن عبدون عن أبي الحسن علي بن محمد بن الزبير القرشي عن علي بن الحسن بن فضال، و أبي الملك أحمد بن عمر بن كيسبة النهدي جميعا عنه»[[5]](#footnote-5) با این که شدید العناد در مذهبش بوده ولی ثقه بوده است.

مرحوم خویی فرموده اند هر چند ثقه بوده است ولی سند شیخ تا طاطری ضعیف است زیرا مشتمل بر علی بن محمد بن زبیر قرشی است «أخبرنا بها كلها أحمد بن عبدون عن أبي الحسن علي بن محمد بن الزبير القرشي عن علي بن الحسن بن فضال، و أبي الملك أحمد بن عمر بن كيسبة النهدي جميعا عنه».

به نظر ما سند تشریفاتی بوده است و شیخ از کتاب طاطری روایت نقل می کند و أصل این است که حسّا تشخیص داده است که کتاب طاطری کتاب متقن و نسخه متقنه است و از آن نقل کرده است.

در این روایت بیان می کند نمازی که سمت غیر قبله خوانده است را قبل از این که نماز أدائیه بخواند اعاده می کند.

مرحوم خویی بیان فرموده اند که روایت تعبیر به اعاده می کند و بیان نکرده است که قضا کند و لذا معلوم می شود وقت آن باقی بوده است. لکن به نظر ما این مطلب عرفی نیست و اعاده در روایات أعم از أداء و قضا است: «ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید» که راجع به اتمام فی موضع القصر وارد شده است.

مرحوم بروجردی در اشکال به این روایت بیان فرموده اند که مورد روایت فائته متصله است که اشکال خوبی است.

3-صحیحه زراره: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِغَيْرِ طَهُورٍ أَوْ نَسِيَ صَلَوَاتٍ لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ‌ عَنْهَا فَقَالَ يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَ لَمْ يُتِمَّ مَا قَدْ فَاتَهُ فَلْيَقْضِ مَا لَمْ يَتَخَوَّفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ هَذِهِ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدْ حَضَرَتْ وَ هَذِهِ أَحَقُّ بِوَقْتِهَا فَلْيُصَلِّهَا فَإِذَا قَضَاهَا فَلْيُصَلِّ مَا فَاتَهُ مِمَّا قَدْ مَضَى وَ لَا يَتَطَوَّعْ بِرَكْعَةٍ حَتَّى يَقْضِيَ الْفَرِيضَةَ كُلَّهَا.[[6]](#footnote-6)

در روایت بیان می کند که اگر وقت نماز جدید رسید و هنوز نماز های قبلی را قضا نکرده است قضای آن را ادامه دهد تا جایی که خوف پیدا کند که وقت نماز أدائیه بگذرد که در این صورت نماز أدائیه را می خواند.

مرحوم بروجردی فرموده اند: این روایت هم اطلاق ندارد و ظاهر یا قدرمتیقّن روایت این است که در وقت صلاة لاحقه متوجّه شده است نماز را بدون وضو خوانده است یا فراموش کرده است یا خوابش برده است. یکسال که نماز به این شکل قضا نمی شود، بلکه یک نمازی به این شکل قضا می شود و در وقت نماز بعدی متوجّه می شود.

به نظر ما این روایت اطلاق دارد و امکان دارد که شخص مدتی نماز بدون طهور بخواند مثل این که جنب شده و فراموش کرده است غسل را انجام دهد که در روایت تعبیر کرده بود «نسی ان یغتسل یوما أو یومین أو ایام» و در روایت نسیان غسل جنابت تعبیر کرده بود «نسی الغسل حتّی خرج شهر رمضان کله». این طور نیست که همه افراد سریع نیازمند غسل جنابت باشند بلکه مثلاً چند ماه یکبار نیازمند غسل جنابت می شود و حال غسل جنابت را فراموش کرده است و این چند ماه بدون غسل نماز می خواند.

لذا روایت اطلاق دارد و تقدیم قضای فائته بر حاضره چه فائته متصله و چه منفصله را شامل می شود و در هر دو فرض مستحب است؛ ولی عدول از حاضره به فائته در غیر فائته متصله اطلاق ندارد.

4-روایت قاسم بن عروه: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا فَاتَتْكَ صَلَاةٌ فَذَكَرْتَهَا فِي وَقْتِ أُخْرَى فَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ كُنْتَ مِنَ الْأُخْرَى فِي وَقْتٍ فَابْدَأْ بِالَّتِي فَاتَتْكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ الَّتِي فَاتَتْكَ فَاتَتْكَ الَّتِي بَعْدَهَا فَابْدَأْ بِالَّتِي أَنْتَ فِي وَقْتِهَا فَصَلِّهَا ثُمَّ أَقِمِ الْأُخْرَى.[[7]](#footnote-7)

قاسم بن عروه از این جهت که از مشایخ ابن أبی عمیر است توثیقش می کنیم.

در روایت بیان می کند که اگر می دانی که وقت هست که ابتدا قضای فائته را انجام دهی این کار را انجام بده.

انصافاً در مورد این روایت فرمایش مرحوم بروجردی خوب است زیرا تعبیر به «فاتتک اللتی بعدها» دارد که معلوم می شود فائته متصله است و شامل فائته چند روز پیش نمی شود زیرا مثلاً عرفی نیست گفته شود نماز أدائی امروز بعد از نماز فائته چند سال قبل است. و ظاهرعرفی «بعدها» این است که وقتش بعد از آن است و متصل به هم اند.

5-صحیحه صفوان: مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الظُّهْرَ حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ قَدْ كَانَ صَلَّى الْعَصْرَ فَقَالَ كَانَ‌ اَبُو جَعْفَرٍ ع أَوْ كَانَ أَبِي ع يَقُولُ إِنْ أَمْكَنَهُ أَنْ يُصَلِّيَهَا قَبْلَ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَغْرِبُ بَدَأَ بِهَا وَ إِلَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّاهَا.[[8]](#footnote-8)

فرض مورد روایت شاید این گونه بوده است که در تنگی وقت یادش آمد که نماز نخوانده است و لذا نماز عصر را خواند و نماز ظهر او قضا شد؛ یا این که أصلاً بعد از خواندن نماز عصر و اذان مغرب یادش می آید که نماز ظهر را نخوانده است به این جهت که بین نماز ظهر و عصر فاصله می انداخته اند.

در روایت بیان می کند که اگر ممکن است نماز ظهر را قبل از این که نماز مغرب فوت شود بخواند ابتدا نماز ظهر را قضا کند.

6-صحیحه طویله زراره: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا وَ قَالَ إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ فَإِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى وَ أَنْتَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَانْوِهَا الْعَصْرَ ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي رَكْعَةِ الْأُولَى أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَانْوِهَا الْعِشَاءَ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ بِالْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ قَالَ قُلْتُ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا[[9]](#footnote-9)» که یک فقره راجع به تقدیم نماز عصر قضایی بر نماز مغرب ادایی است و دیگری راجع به تقدیم نماز مغرب و عشاء قضایی بر نماز صبح ادایی است.

### طائفه ثانیه (تقدیم حاضره بر فائته)

1-صحیحه أبی بصیر: عَنْهُ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ نَامَ الرَّجُلُ وَ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ أَوْ نَسِيَ فَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَبْلَ الْفَجْرِ قَدْرَ مَا يُصَلِّيهِمَا كِلْتَيْهِمَا فَلْيُصَلِّهِمَا وَ إِنْ خَشِيَ أَنْ تَفُوتَهُ إِحْدَاهُمَا فَلْيَبْدَأْ بِالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ إِنِ اسْتَيْقَظَ بَعْدَ الْفَجْرِ فَلْيَبْدَأْ فَلْيُصَلِّ الْفَجْرَ ثُمَّ الْمَغْرِبَ ثُمَّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنْ خَافَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَتَفُوتَهُ إِحْدَى الصَّلَاتَيْنِ فَلْيُصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ يَدَعُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَذْهَبَ شُعَاعُهَا ثُمَّ لْيُصَلِّهَا.[[10]](#footnote-10)

در روایت بیان می کند که اگر بعد از طلوع فجر بیدار شود ابتدا نماز صبح را بخواند و بعد نماز مغرب و عشاء را قضا کند.

2-صحیحه ابن مسکان یا ابن سنان (ظاهراً اختلاف نسخه باشد از این جهت که شبیه هم نوشته می شوند و فضاله این حدیث را هم از ابن مسکان نقل کرده است و هم از ابن سنان نقل کرده است): عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ نَامَ رَجُلٌ أَوْ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَإِنِ اسْتَيْقَظَ قَبْلَ الْفَجْرِ قَدْرَ مَا يُصَلِّيهِمَا كِلْتَيْهِمَا فَلْيُصَلِّهِمَا وَ إِنْ خَافَ أَنْ تَفُوتَهُ إِحْدَاهُمَا فَلْيَبْدَأْ بِالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ إِنِ اسْتَيْقَظَ بَعْدَ الْفَجْرِ فَلْيَبْدَأْ فَلْيُصَلِّ الصُّبْحَ ثُمَّ الْمَغْرِبَ ثُمَّ الْعِشَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ.[[11]](#footnote-11)

پس دو طائفه داریم که یکی بیان می کند «ابدأ بالقضا ثم ائت بالأداء» و طائفه دیگر می گوید «ابدأ بالأداء ثم ائت بالقضاء»؛ بین این دو طائفه به دو شکل جمع عرفی کرده اند. (اگر جمع عرفی داشته باشد این که طائفه دوم در واقع یک روایت باشد یا چند روایت باشد و در مقابل طائفه أول روایات زیادی باشد تأثیری ندارد) به نظر ما مناسب بود أخبار عدول از حاضره به فائته را نیز جزء طائفه أول ذکر می کردند زیرا لابد أمر به عدول از باب استحباب تقدیم فائته بر حاضره است وگرنه وجهی برای أمر به عدول ندارد.

#### جمع أول (حمل طائفه ثانیه بر فرض خوف وقت فضیلت)

یک جمع، جمع شیخ انصاری است و مرحوم خویی نیز پذیرفته است که: قرینه داریم مراد از طائفه اول این است که تقدیم قضای فائته قبل از فوت وقت فضیلت مستحب است و اگر خوف فوت وقت فضیلت باشد تقدیم حاضره مستحب است؛

قرینه أول صحیحه صفوان است که بیان می کند بعد از غروب آفتاب متوجّه شدی نماز ظهر را نخوانده ای اگر خوف فوت مغرب داری ابتدا نماز مغرب را بخوان. و اگر قرار باشد مراد از روایت وقت فضیلت نباشد و وقت أداء باشد آیا معنا دارد تعبیر به «إِنْ أَمْكَنَهُ أَنْ يُصَلِّيَهَا قَبْلَ أَنْ يَفُوتَهُ الْمَغْرِبُ بَدَأَ بِهَا وَ إِلَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ صَلَّاهَا» کنند؟! معلوم است بعد از غروب آفتاب چندین ساعت وقت است تا وقت نماز مغرب فوت شود و آنچه بعد از غروب آفتاب پیش می آید خوف وقت فضیلت مغرب است که حدود سه ربع است که اگر بخواهد مقدمات طهارت را آماده کند وقت می گذرد و در قدیم وسایل طهارت مثل شیر آب فراهم نبوده است و باید آب تهیه کند و گاهی جنب است باید غسل کند و لذا این تقسیم متعارف است؛ أما تقسیم نسبت به وقت أدای مغرب صحیح نیست زیرا از غروب آفتاب تا نیمه شب وقت زیادی است و کسی خوف فوت نخواهد داشت مگر این که روایت را بر کسی حمل کنیم که چند دقیقه به نیمه شب یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است که خلاف ظاهر «نسی الظهر حتّی غربت الشمس» است.

قرینه دوم صحیحه ابن مسکان است که أظهر است: «إِنِ اسْتَيْقَظَ بَعْدَ الْفَجْرِ فَلْيَبْدَأْ فَلْيُصَلِّ الْفَجْرَ ثُمَّ الْمَغْرِبَ ثُمَّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنْ خَافَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَتَفُوتَهُ إِحْدَى الصَّلَاتَيْنِ فَلْيُصَلِّ الْمَغْرِبَ وَ يَدَعُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَذْهَبَ شُعَاعُهَا ثُمَّ لْيُصَلِّهَا» در این روایت بیان می کند که بعد از فجر ابتدا صبح و بعد مغرب و بعد عشاء را بخوان و اگر خوف داری خورشید طلوع کند ابتدا مغرب را بخوان و عشاء را ترک کن؛ اگر بنا باشد که صدر روایت که بیان کرد نماز صبح را اول بخوان در فرض خوف فوت وقت واجب صبح است عرفی نیست چون در فقره أخیره بیان می کند که اگر خوف طلوع شمس داری مغرب را می خوانی و عشاء را ترک می کنی و فقره سابق بر آن این بود که اگر بعد از طلوع فجر بیدار شود ابتدا نماز صبح و بعد مغرب و عشاء را می خواند.

انصافاً این جمع، جمعی عرفی است. لذا استحباب عدول از حاضره به فائته مختص به جایی است که خوف فوت وقت فضیلت حاضره نباشد. و لقد أجاد السید الامام و السید السیستانی که عدول از حاضره به فائته را مختص به فرض عدم خوف وقت فضیلت واجب کرده اند. جمع مرحوم بروجردی را در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص292.](http://lib.eshia.ir/11005/3/292/%D9%86%D8%B3%DB%8C%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص452.](http://lib.eshia.ir/11005/3/452/%DB%8C%D9%82%D8%B6%DB%8C%D9%87%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص452.](http://lib.eshia.ir/11005/3/452/%DB%8C%D8%B5%D9%84%DB%8C%D9%87%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص46.](http://lib.eshia.ir/10083/2/46/%D8%AA%D8%A8%DB%8C%D9%91%D9%86%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص92.](http://lib.eshia.ir/14010/1/92/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%86%D8%A7%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص293.](http://lib.eshia.ir/11005/3/293/%D8%B5%D9%84%D9%88%D8%A7%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص293.](http://lib.eshia.ir/11005/3/293/%D9%81%D8%B0%DA%A9%D8%B1%D8%AA%D9%87%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص293.](http://lib.eshia.ir/11005/3/293/%D8%BA%D8%B1%D8%A8%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص292.](http://lib.eshia.ir/11005/3/292/%D9%86%D8%B3%DB%8C%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-9)
10. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص288.](http://lib.eshia.ir/11002/1/288/%D8%A7%D8%AD%D8%AF%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-10)
11. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص288.](http://lib.eshia.ir/11002/1/288/%D8%A7%D8%AD%D8%AF%D8%A7%D9%87%D9%85%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-11)